

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آژهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹-۸۶ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸

آژهی‌ها: تلفن: ۰۷-۶۶۲۶۵۰۰۷ - ۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۱۲ شوال ۱۴۴۴ • ۳ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۴۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۱۲
اذان صبح فردا ۳:۳۶ • طلوع آفتاب ۵:۱۰

شرق

دیالوگ روز

از کور برکشته - الخاندرو کونسالس اینیاریتو- ۲۰۱۵

هیو کلاس (لئوناردو دی‌کاپریو): وقتی توفان میشه...

اگه جلوی یک درخت ایستاده باشی...

اگه به شاخه‌هاش نگاه کنی، مطمئنی که سقوط میکنه

اما اگه به تنش نگاه کنی، استواریش رو ببینی...

زنان

چرا زنان کنار متجاوزان خود می‌مانند؟

واشنگتن‌پست مقاله‌ای به قلم «امیلی نیکس»، اقتصاددان و استادیار امور مالی و اقتصاد بازرگانی دانشگاه یکه سؤال همیشگی چند سال اخیر را مطرح کرده است. سؤالی که بسیاری از زنان که بالاخره شجاعت پیدا می‌کنند و دربرابر متجاوزانشان قیام می‌کنند به آن پاسخ داده‌اند. این سؤال این است که چرا زنان در کنار متجاوزان خود می‌مانند؟ از نظر نویسنده این مقاله یک نکته نادیده گرفته شده است. اغلب گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد درباره اینکه چرا زنان در روابط آزاردهنده می‌مانند، اما یک دلیل ساده همیشه نادیده گرفته می‌شود: «آنها قادر به ترک متجاوز خود نیستند.»

سوءاستفاده از رابطه، در بین یک‌سوم زنان آمریکایی رخ می‌دهد و بیشتر از خشونت فیزیکی است. این یک الگوی اجبار و کنترل است که سوءاستفاده عاطفی، تجاوز جنسی و تلاش برای منزوی‌کردن و کنترل‌ل شریک زندگی نه‌تنها از نظر اجتماعی بلکه از نظر مالی را دربر می‌گیرد. در شهادت‌های بی‌شماری که زنان در این زمینه ارائه داده‌اند، بازماندگان از گرفتارشدن مالی در روابط آزاردهنده می‌گویند. مدافعان، کارشناسان و سیاست‌گذاران کم‌کم متوجه می‌شوند که تمرکز بر خشونت فیزیکی برای محافظت از قربانیان در برابر آسیب کافی نیست. هرچند سوءاستفاده اقتصادی درنهایت در قانون خشونت علیه زنان در سال ۲۰۲۲ به عنوان نوعی سوءاستفاده توسط نگره آمریکا تدوین شد.
باین‌حال خیلی‌قبل‌تر باید این اتفاق رخ می‌داد.

سوءاستفاده اقتصادی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از متقاعدکردن یا وادارکردن شریک به ترک شغل گرفته تا به چالش‌کشیدن فعالیت‌های کاری از طریق دیرکردن، خرابکاری در پروژه‌های مهم، یا حضور در محل کارشان و ایجاد صحنه‌های تنش‌ساز. سوءاستفاده‌کنندگان ممکن است امور مالی شریک خود را کنترل کنند، آنها را از داشتن حساب بانکی مخصوص خود بازدارند یا حتی به‌طورکامل از آنها پول بزدند.

در یک نظرسنجی در بریتانیا، ۳۲ درصد از بازماندگان گفته‌اند که دسترسی به پول توسط سوءاستفاده‌گری که آنها را کنترل می‌کند، رخ می‌دهد و ۵۶ درصد گزارش کرده‌اند که توانایی آنها برای کار محدود شده است. این اقدامات قربانی را از نظر مالی به آزارگر خود وابسته می‌کند و حتی با تشدید آزار، دورشدن را برای او سخت‌تر می‌کند. نویسنده مقاله در بخش دیگری از مطلب خود تأکید دارد: «بازماندگان سال‌ها داستان سوءاستفاده اقتصادی خود را به اشتراک می‌گذارند اما تحقیقاتی که من اخیرا با همکارانم در دانشگاه آکسفورد و دانشگاه آلتو در فنلاند انجام داده‌ام اطلاعات جدیدی را در زمینه سوءاستفاده مطرح کرده است. این تحقیق یکی از اولین مطالعات در مقیاس بزرگ - حدود ۱۴ هزار زوج پدسرپرست در سراسر جهان - در مورد سوءاستفاده اقتصادی را در بر می‌گیرد. ما از داده‌های فنلاند استفاده کردیم که با ما اجازه می‌داد تا سوابق پلیس و مالیات را به هم مرتبط کنیم و وضعیت مالی سوءاستفاده‌کنندگان و قربانیان را به مدت چند سال بررسی کنیم. افراد از هر جنسیت قربانی و مرکب سوءاستفاده هستند اما مطالعه ما بر رایج‌ترین نوع رابطه خشونت‌آمیز متمرکز بود: مردی که زن ز را قربانی می‌کند. ما روابطی را بررسی کردیم که در نهایت به آزار جسمی تبدیل می‌شد و منجر به گزارش پلیس می‌شد، سپس به گذشته برگشتیم تا ببینیم این آزار چگونه آشکار شد. یک الگوی واضح را در این زمینه کشف کردیم.»

«امیلی نیکس» در ادامه مقاله خود به تشریح این الگو می‌پردازد و می‌نویسد: «زنانی که درگیر روابط خشونت‌آمیز هستند؛ بلافاصله پس از هم‌خانه‌شدن شاهد کاهش قابل‌توجهی در درآمد و شغل خود بوده‌اند. در دو سال پس از زندگی مشترک، درآمد سالانه آنها شش درصد کاهش یافت و نرخ اشتغال آنها چهار درصد کاهش یافت. در حالی که این کاهش مالی در روابط قبلی این زنان مشاهده نمی‌شده است. همچنین زنانی را که در روابط آزاردهنده بوده‌اند با سارینی که سطح درآمد و تحصیلات مشابهی داشتند، مقایسه کردیم تا دریابیم آیا واقعا این تغییر روند اقتصادی وجود داشته است یا نه؛ این مقایسه نشان داد که هزینه واقعی سوءاستفاده اقتصادی حتی بیشتر از آن چیزی است که تحلیل اولیه ما نشان می‌دهد: نرخ اشتغال قربانیان در مقایسه با زنان مشابه با شرکای غیرآزاردهنده ۱۲ درصد کاهش یافته و درآمد آنها نیز کاهش ۱۶درصدی داشته است.»

در ادامه این مقاله آمده است‌که محققان داده‌های اقتصادی پنج سال قبل و بعد از ورود زنان با شرکای پدسرپرست را با داده‌های زنان مشابهی که وارد روابط غیرآزاردهنده شدند، مقایسه کرده‌اند. نرخ اشتغال برای زنانی که با مردان آزارگر زیر یک سقف هستند، در مقایسه با زنانی که در شرایط اقتصادی مشابهی با مردان غیرآزارگر زندگی می‌کردند، هشت درصد کمتر بود.

درآمد قربانیان آزار خانگی نیز به‌طور متوسط هزارو ۷۵۰ یورو در طول پنج سال کاهش یافت. درحالی‌که قدرت مالی یک زن بلافاصله پس از نقل مکان با شریک آزارگر خود کاهش می‌یابد، خشونت فیزیکی اغلب زمان می‌برد تا تشدید شود. ۵۱ درصد از زوج‌های نمونه این تحقیقات حداقل دو سال قبل از اولین گزارش خشونت پلیس با هم زندگی می‌کرده‌اند. این نشان می‌دهد که حداقل برای برخی از زوج‌ها، سوءاستفاده‌های اقتصادی با وابستگی بیشتر قربانیان به متجاوزان خود، زمینه خشونت فیزیکی را فراهم کرده است. در واقع هرچه زوج‌ها به هم وابسته‌تر شده‌اند، امکان خشونت بیشتر فراهم شده است.
درواقع «هزینه خشونت خانگی حیرت‌انگیز است» این تحقیق نشان می‌دهد که وقتی زنی گزینه‌های اقتصادی بیشتری در اختیار داشته باشد، امکان اینکه خشونتگر خود را ترک کند، پنج درصد افزایش می‌یابد. داشتن منابع مالی برای قربانیان خشونت خانگی امکان فراهم‌کردن استقلال مالی و خروج از سیطره فرد خشونتگر را فراهم می‌کند.

این را می‌توان به‌عنوان یکی از بهترین راه‌حل‌هایی دانست که می‌توان به عنوان سیاست حمایتی در نظر گرفت. اگرچه اجرای آن پیچیده است اما این نویسنده پیشنهاد داده است حتی در مواردی می‌توان سیاست‌هایی تصویب کرد تا با در نظر گرفتن پتانویه‌های مالی یا اعطای غرامت قدرت اقتصادی زن را بازگرداند و ثروتی را که از او گرفته شده است، توزیع کرد.

به‌طور کلی، توانمندسازی اقتصادی می‌تواند به زنان کمک کند تا از گرفتارشدن در روابط سوءاستفاده نهراسند و امکان خروج از آن را داشته باشند. تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی زنان توانایی بیشتری برای کسب درآمد داشته باشند، میزان خشونت خانگی کاهش می‌یابد. همچنین زنان تحصیل کرده دانشگاهی با درآمد بالاتر کمتر قربانی آزار اقتصادی و فیزیکی می‌شوند. آموزش بهتر در زمینه سواد مالی می‌تواند زنان را توانمند سازد تا مسئولیت‌های مالی خود را بر عهده بگیرند و قدرت اقتصادی را حفظ کنند.

در این مقاله پیشنهاد شده است در سطح شخصی، زنان باید قبل از دست‌کشیدن از استقلال مالی خود به دقت فکر کنند. برای زنان این روند معمول است که در صورت ازدواج یا بچه‌دار شدن به شریک عاطفی خود تکیه کنند اما این باید یک «انتخاب آرادانه» باشد. کنترل مسائل مالی شکلی از قدرت و در بسیاری از موارد بخشی جدایی‌ناپذیر از روند سوءاستفاده‌گرانه است.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آژهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹-۸۶ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸

آژهی‌ها: تلفن: ۰۷-۶۶۲۶۵۰۰۷ - ۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آژهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹-۸۶ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸

آژهی‌ها: تلفن: ۰۷-۶۶۲۶۵۰۰۷ - ۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵



● مجموعه عکس‌های سلفی عکاس و معلم کلاس دوم ابتدایی و دانش‌آموزانش که طی دو سال تدریس در دبستان شهدای کوهپن واقع در ۳۲کیلومتری استان قزوین گرفته شده است، در خبرگزاری ایرنا قابل مشاهده است.
عکس: پوریا ترابی/ایرنا

شهروندی نوظهور و حکمرانی تحول‌پذیر

۷ آن‌گاه خوش‌آئینه هستیم که حق تعیین سرنوشت نسل تغییرکرده را پذیرا باشیم. شیوه‌ها و تکنیک‌های سیاست عمومی باید عوض شود تا مراد مردم در تثبیت حق تعیین سرنوشت پدیدار شود. نحوه سیاست‌سازی و تقسیم قدرت و فرصت باید چنان باشد که شهروند حس کند اداره امور عمومی بر پایه حق انتخاب وی تمشیت می‌شود. خیرگان در این منظر باید معدل خرد مردم باشند.

۸ علت‌یابی پدیداری حرکت‌های رادیکال و خشونت‌مدار در کشور نیازی مبرم است. ریشه‌های پیدا و پنهان تشنج و تنش اجتماعی همواره به نظم عمومی آسیب زده و خیر همگانی را می‌خشکاند. باید به این باور برسیم که ایده شهروندی به دنبال احترام به همگان است. به قول هگل نیاز انسان به حرمت نفس و شناسایی هویت مستقل وی، به عنوان موجودی خودآگاه و عاقل است که او را به تصور ارزشمند دیده‌شدن وارد فضای کنش و واکنش می‌کند. اگر مردم یا طیف‌هایی از مردم دیده نشوند یا کتمان شوند با ارزش‌های شهروندی سنخیت نداشته و بلاخیز خواهند شد. سندرمد مبتلایان به کتمان شهروندی از همان رویکردی برمی‌خیزند که در سیمای ملی برخی آنها را توصیه به مهاجرت از کشور و جلای وطن می‌کند.

۹ شهروندی با نظام حقوق و تکالیف متجانس و منطقی خود یک زیست‌بوم مردم‌محور با احترام به همگان را به تصویر می‌کشد. در این زیست حق تعیین سرنوشت و انتخاب مردم به وسیله مردم حرف اول و آخر را می‌زند. در نقطه مقابل، این انگاره مولود و موجد آزادی بیان و حق نقد و حق بر مخالفت و انکا به خرد انتقادی و تکرر است. این زیست تفاوت‌ها را موهبت دانسته و نظم حقوقی را بر پایه ارزش‌های حقوق‌بشری چیدمان می‌کند.

باشد روزی که شاخص‌ها و معیارهای شهروندی در جامعه ما ارزش تلقی شده و دولتمردان، نموده‌های دموکراتیک را ارج نهاده و به همه شهروندان احترام بگذارند تا به قول مستشارالدوله در جمیع احوال مرفه‌الحال و از هرگونه جبر و ستم آسوده‌خیال شوند.

هشتادی‌ها و نودی‌ها متجلی است. این فاصله در تحلیل میانگین سنی مسئولان کشور و ساخت سیاسی حکایت‌ها و دلالت‌هایی دارد. اگر پیامدهای این تغییر در ساحت سیاسی و حقوقی و اجتماعی را نپذیریم، قطعا با وضعیت ناهم‌هواری گریبانگیر خواهیم شد. کتمان فاصله و دیده‌نشدن تغییرها و متغیرها همه مزید بر علت است. باید دستی بر سر نظام حقوقی کشید و تغییرخواهی را به ورطه عمل آورد.

۴ مفهوم شهروندی نوین، امروز در نقطه مقابل رعیت‌گرایی حکمرانی‌های سنتی قرار می‌گیرد. لذا نمی‌توان آن را از ارزش‌های حقوق بشری چون برابری خواهی و آزادی‌گرایی منفک کرد. باری در تقابل با دیدگاهی که شهروندان را بسته و منقاد ابد‌های واحد و همسان می‌پسندد، شهروند نوین مجبور نیست خود را هم‌رنگ نظم حکمرانی کند. تکرر و تنوع و حق انتخاب محور اصلی شهروندی نوظهور است.

۵ به عقیده «کیث فالکس» نظریه‌پرداز شهروندی، کارکرد اصلی شهروندشدن، اداره جامعه مطابق با اصول احترام و رعایت حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند. بر این مبنا پیوند میان مردم با یکدیگر و حکومت از طریق ریسمان قانونی ایجاد اتصال می‌کند که بافته و تافته خود مردم و تصویرگر خیر همگانی و منافع جمعی آنهاست. قانون باید با وجدان مردم همراه باشد. قانون بریده از نظر مردم تحمیل موضوعه با توسل به زور است.

۶ با این‌ نگاه نحوه اداره عمومی و قانون‌گذاری و حق تعیین سرنوشت و نظرسنجی باید ملمح نظر قرار گیرد. حس تعهد میان اعضای جامعه ایرانی در گرو احترام به تکرر است. حامی پروری و شهروند درجه یک و دو سازی و خودی و ناخودی کردن شهروندان در تعارض با اصل اخوت و برابری همگان است. گسل‌ها در این وضعیت فعال‌تر و میل به گریز از شهروندی و حرکات خشونت‌بار یا خسارت‌آفرین تشدید می‌شود. تنها در صورتی می‌توان همبستگی و چسبندگی ملی را حفظ کرد که احترام به همه، شعار شهروندی نوین و حکمرانی شهروندمدار باشد.

نقد هفته

سخنگوی محبوب و سنگ رسانه

را نمی‌دهند و یا خراب‌کردن کاهویبگاه سامانه‌هایشان، خدمتی هم به مردم ارائه نمی‌دهند. خاترم هست سال گذشته به یکی از بیمارستان‌های یکی از سازمان‌های بیمه‌گر در یک مرکز استان وارد شدم. با ماشین حدود پنج دقیقه طول کشید تا از در نگهبانی به ساختمان اداری برسیم. سپس با ورود به سرسرای پذیرش، با یک وسعت بی‌نظیر از فضای اداری مواجه شدم که در انتهای آن چند نقطه سیاه مشخص بود. پس از یک پیادهروی چندثانیه‌ای تازه متوجه شدم آن چند نقطه سیاه، منشی‌ها و میز کارشان بوده که به علت وسعت مجموعه از در ورودی ساختمان به شکل نقطه دیده می‌شدند! این وسعت و این زمین و این ساختمان، خوشا به حال بیمه‌گران! یعنی بعضی سازمان‌های بیمه‌گر اگر از همین مرکز لرذافتی‌هایش را قطع کنند، تا آخر عمر من و شما، با تورم و افزایش قیمت مال و اموالشان، نصف بیماران و پزشکان این کره خاکی را می‌توانند سیر نگه دارند. بگذریم. نقطه تأسف‌بار این داستان منظره پزشکی، نگرش دست‌اندرکاران برنامه بود که پس از قطع امید از پاسخ‌گویی بیمه، عاقل از همه جا و با نگاه توتلی حرف از زیاده‌خواهی پزشکان می‌زدند و اینکه وقتی کارگر پول ندارد چرا تعرفه پزشکی باید زیاد شود؟ ظاهرا در محیله بعضی دستان این‌گونه نقش بسته که اداره بهداشت که کشور دست پزشکان است و مسئولیت مشکلات کارگران را بنظم پزشکی است و البته ظاهرا این‌گونه جا افتاده که پزشکان ایران معاف از تورم هستند و پس از حدود ۱۲ سال درس خواندن و کشیک‌دادن و شب‌بیداری در دانشگاه برای مدرک تخصصی (به انضمام ۱۲ سال تحصیلات دیپلم و گذراندن طرح به مدت دو برابر مدت تحصیلی)، می‌توانند

با تمرکز از نور آفتاب برای غذا و فتوسنتز و از هوا برای رشد و نمو خود استفاده کنند! نظر به این باورها، توصیه می‌شود تسویه‌حساب با پزشکان از این به بعد بدون حضور خودشان در رسانه یگیری نشود و تخریب‌ها قوی‌تر و مسرانه‌تر ادامه یابد. چند سال بعد از طریق بیمارستان‌های خالی و مطب‌های بسته‌شده و مراکز بی‌پزشک‌مانده، شاید رسانه تجدیدنظری در پزشک‌ستیزی خود بکند.



صالح نقره‌کار

وکیل دادگستری

۱ شهروندی در ایران امروز قابل قیاس با دهه گذشته نیست. این یک واقعیت مستند است. مردم داناتر و به حقوق خود واقف‌تر و در کوران اخبار و اطلاعات، دنیادیده‌تر شده‌اند. از بازه زمانی اطلاق مردمان به رعایای تحت سایه ملوکانه در کنف تفقد و مرحمت دولت علیه تا شهروندان عصر ارتباطات دوره مדיاکراسی، ذائقه زیست شهروندی، تغییر مستمر و بی‌توقف یافته است. گاهی این خصلت نوشونده، مرزهای پیش‌بینی‌پذیری را درمی‌نوردد و نظام سیاسی و نظم حقوقی را پشت سر می‌گذارد. مقاومت‌ها در قبال تحول‌خواهی نوشونده اغلب بی‌اثر و ددرس‌ساز بوده و این چرخه ایستاپذیری نیست. آیا حکمرانی هم‌پای این تغییرات تحول‌پذیر بوده است؟!

۲ یک مفهوم کلیدی در رساله یک کلمه مستشارالدوله تریزی دستاویز میراث مشروطه‌خواهی ایرانی است و آن اینکه قانون و ساختار حکومت باید با اراده و خواست ملی همساز بوده و راه را برای زیست خجسته همگان فراخ کند. خواست مردمان در حال تغییر و تکون مدام است. نمی‌شود سرعت بی‌ترمز تکنولوژی را فریز کرد و ادراک‌های نوین از انسان و جهان در جغرافیای دهکده جهانی را به دست کتمان و نسیان سپرد. اینجاست که گسل‌های فاصله نسلی خود را نمایان می‌کند. اصلاح رابطه میان حکومت و شهروندان قرین با بازسازی نظم سیاسی دموکراتیک است. جامعه ایران امروز با همه توان به ما می‌گوید در حال دگرش و تغییر است. اگر شنوا نباشیم عرصه را می‌بازیم.

۳ چالش‌های فاصله نسلی بین افراد خانواده و طبقات سنی جامعه منحصر نیست و به بافت و ساخت حکمرانی نیز تسری می‌کند. نمود این تغییر در باور و ظاهر شهروندان نسل‌های نو و دهه

اتفاق خوانی

پشت سر مخاطره، پیش‌رو هلاک!

ما که بر سر این ثروت عظیم نشستیم‌ایم چرا ولخرچی نکنیم؟». و حالا در عصر خنک اردیبهشت، شب جوانه می‌زند از لای پلک‌های ورزشگاهی که زیر شلاق ناسزا مدام تب می‌کند تا زشت‌ترین الفاظ روی زبان برخی بنشیند و کودکان ما در اتمسفری آکنده از غیظ و غضب و بی‌زنگتی قرار گیرند و انگشت حیرت به دهان گیرند.

بحی اگر رویدادهای اجتماعی رابطه‌ای مستقیم با برخی اعتراض‌ها داشته باشد، باز هم نمی‌توان باور کرد که به خاطر یک دربی، یک فوتبال و سه امتیاز، همه چیز وارونه شود و تابلوی خطر ریزش اخلاق روی سکوها نصب شود. کار وقتی بالا می‌گیرد که بازیگران مرتع سبز به جای دعوت دوآتشه‌ها به آرامش، خود نقطه جوش ورزشگاه را تعیین می‌کنند. طرفه آنکه درگیری شدید فلان سلببریتی با منتقدان، زنگ بیدارباش و بیزارباش را در امتداد عصر به صدا درنیآورد حتی؟!

شاید در چنین عرصاتی لازم باشد پژوهش‌های روان‌شناختی ویژه‌ای روی جامعه هدف صورت گیرد تا ترازوی در افق پیش‌رو تکرار نشود و اخلاق مرگ خود را به نظاره ننشیند. شاید بد نباشد معلمان با کج و تخته سبزه‌های ورزشگاه بیابند و رابطه مجهول پردردی‌ها با اتفاقات متن جامعه را با رسم



شکل توضیح بدهند.
پشت سر مخاطره، پیش‌رو هلاک، بی‌تردید اگر اخلاق به سکوها بازنگردد و دستی به دادخواهی توده از آستین بیرون نیاید، قطعا مرغ بلندبال ادب بر شانه‌ها نخواهد نشست و توفان، دامان باوفایان و بی‌وفایان را خواهد گرفت. حالا تو بگو در این هول رستاخیز کدام دریل و کدام کل، منتج به بزم و پایکوبی خواهد شد؟ رک بگو رفیق غمگسارِ من!